



عزت خادمی

اسوه یعنی سرمشق، مقتدا که خوب و بد، هر دو را شامل است لذا در قرآن با کلمه حسنه توصیف شده است «لقد کان لکم فی رسول الله أسوة حسنه».

«در اعمال و اقوال، رسول خدا برای شما سرمشق خوبی است»

ارائه الگو و اسوه موثرترین و موفقترین روش تربیتی است بدین جهت خدای تبارک و تعالی رسول اکرم (ص) را بعنوان بهترین سرمشق برای جهانیان معرفی می کند.

الگو و سرمشق، خود معلم توانائی است بدون زبان، و مرشد ناصحی است بدون بیان. بهترین پند و نصیحت این است که بگوئیم «افعل

كما أفعل»: «آنگونه که من انجام می دهم تو نیز عمل کن». امام صادق (ع) می فرماید:

«كونوا دعاة الناس باعمالکم ولا تکتونوا دعاةً بالسبتکم»، مردم را با رفتار خود بحق رهبری کنید نه با زبان خویش.

در تربیت اسلامی به ارائه الگو توجه فراوان شده است آیاتی از قرآن مجید پیامبر را الگو معرفی می کند و مردم را هدایت می نماید تا به او تاسی کنند.

رسول خدا (ص) معصومین گرامی اسلام را پس از خود بعنوان اسوه و سرمشق برای مردم معرفی فرموده است همچنین خداوند متعال در قرآن کریم

طی آیاتی امت اسلام را به عنوان امت الگو معرفی می نماید:

كذَٰلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا...» بدینسان شما را امتی میانه قرار دادیم تا برای مردم گواه و سرمشق باشید، پیامبر نیز گواه و سرمشق برای شما است.

با توجه به اهمیت و نقش الگو در سازندگی یا تخریب جوامع انسانی پیشوایان گرامی اسلام همواره امت اسلام را به اتخاذ روش ممتاز و ایده آل فرا می خواندند امام صادق (ع) در توصیه به پیروان خود چنین می فرماید:

«شیعیان ما آنگونه باشید که زینت ما گردید، نه مایه زشتی ما»

در برهه کنونی تاریخ خداوند متعال بر امت ما منت نهاده و این امت را مایه امید و آرزوی مستضعفان جهان قرار داده و یکی از شیعیان مخلص ائمه طاهرین، امام را به عنوان شاگرد مکتب اسلام و یک متعلم از مکتب اهل بیت الگوی این امت قرار داده است. به گفته شهید مطهری «آیه الله العظمی امام خمینی حسنه ای است که خداوند به قرن ما و روزگار ما عنایت فرموده»

و نهایت تعریفی که راجع به او می توانیم داشته باشیم همان جمله ایست که در نماز راجع به پیامبر می گوئیم که همانا او بنده خداست.

اینک برای شناخت هر چه بیشتر به بررسی ویژگیهای شخصیتی، نکات ناخوانده وجود این امام و مقتدا می پردازیم تا از این دریای بیکران قطره ای بگیریم و توشه راه خود سازیم تاریخ معمولاً تنها نمودهای برجسته و خیره کننده شخصیتهای بزرگ را می بیند و ثبت می کند و از نگاه همه

جانبه بر پیکره شخصیتها ناتوان است لذا می بینیم چهره بسیاری از بزرگان و نخبگان عالم انسانی درهاله ابهام فرو می ماند.

آنچه تاکنون برعاصمه مردم از امام تصویر شده در بعد مذهبی در حد یک مرجع تقلید و در بعد سیاسی بعنوان یک رهبر بلامنازع سیاسی بوده است ولیکن ابعاد دیگر زندگانی و افکار و شخصیت، علم و تقوای امام برای توده ها هنوز در پرده ابهام باقی مانده است.

امام یک معلم است یک مربی بزرگ است و سیره او در خودسازی و تعلیم و تربیت انسانها برای ما درس.

۱ - نظم

«اوصیکم بتقوی الله ونظم امرکم»

(علی (ع))

«شما را به تقوا و منظم بودن

کارهایتان وصیت می کنم»

یکی از روشهای اساسی که در زندگی امام به چشم می خورد نظم در امور زندگی ایشان است و ما دقیقاً این مسئله را در زندگی امام درک می کنیم که نظم یکی از اساسی ترین برنامه های زندگی یک انسان متعهد در برقرار کردن ارتباط با خالق است بقول امام «اگر در زندگیمان، در رفتار و حرکاتمان نظم بدهیم فکرمان هم بالطبع نظم می گیرد. وقتی فکر نظم گرفت و انسان در زندگی نظم داشت یقیناً از آن نظم فکری کامل الهی هم برخوردار خواهد شد»^۱ در این صورت لغزشها و اشتباهات کمتر می شود و انسان در مرحله ای قرار می گیرد که جز برای پیاده کردن اوامر الهی و رضایت او بچیز دیگری نظر نخواهد کرد.

نظم در امور زندگی:

«حضرت امام در این جهت بقدری مقید هستند که تا بحال هم تمام کارهای روزمره را طبق برنامه و وقت معینی انجام می دهند، راه رفتن، غذا میل نمودن، مطالعه کردن و خلاصه تمام امور ایشان منظم و مرتب و در وقفهای تعیین شده انجام می گیرد.»^۲

«امام یک لحظه از عمر گرانمایه خود را به بیهودگی نمی گذرانند، دائماً مشغول کار می باشند شما اگر یک دفتر بردارید و با امام حرکت کنید دائماً می توانید از امام کار خوب و مطالعه ثبت کنید. امام در عین پرکاری و تلاش مداوم بسیار منظم می باشند. و یکی از اساسی ترین رموز موفقیت امام در زندگی نظم است. اهل منزل امام زندگی ایشان را به صورت یک ساعت اتوماتیک و خود کار درک کرده اند و لذا دستورالعمل کارشان را از روی کار امام منظم می کنند دقیقاً می دانند که امام چه ساعتی می خوابند، چه ساعتی بیدار می شوند کی باید چای بخورند، چه زمانی برای ملاقات بیرون می آیند امام در نجف که بودند طلاب ساعتهای خود را از روی کار امام تنظیم می کردند آنها دقیقاً می دانستند که امام چه ساعتی به حرم رفته و یا در این ساعت بدرس حاضر می شوند.»^۳

در یکی از سفرهایمان بعراق در صحن حضرت علی (ع) با عده ای از فضلا و طلاب بعد از نماز مغرب و عشا نشسته بودیم وقتی صحبت تمام شد و آقایان خواستند بروند ساعت را نگاه کردند اختلاف ساعت پیش آمد و صحن حضرت امیر(ع) هم که ساعتش عربی بود ساعت ۲/۳۰ نشان می داد و ساعت آقایان هم با کمی اختلاف ۵ دقیقه، ۷ دقیقه باهم، در همان مذاکره

حضرت امام از درب قبله وارد صحن شدند و یکی از اساتید نجف که آنجا بودند گفتند که ساعتهایتان را میزان کنید الان ساعت ۲/۳۰ از شب می رود و این ۱۳ سال است (سیزدهمین سال بود که امام نجف بودند) که هر شب امام در همین ساعت قدم داخل صحن می گذارند و ورود امام خودش ساعت است با وجود اینکه حضرت امام مرجع تقلید است، رهبر انقلاب است جواب مسئله مردم را داده، مراجعات را انجام داده، نماز جماعتش را خوانده، جواب استفتاء داده، جواب تلفنهای خارج و داخل را داده، انقلاب را رهبری می کند سر وقت هم برای زیارت می روند»^۴

نظم در جلسه درس

«روزی امام برای تدریس به مسجد تشریف آوردند ولی متوجه شدند که تمام طلاب حاضر نشده اند و بسیاری در اثناء درس وارد می شوند لذا شروع کردند قدری راجع به نظم در امور صحبت کردن و مخصوصاً طلاب را توصیه فرمودند که در کارهای خود باید نظم را کاملاً رعایت کنند»^۵

«یکبار یادم هست که در مورد درس فرمودند که: (اگر برای درس خواندن می آئید باید سر موقع حاضر باشید و اگر برای ثواب مسجد می آئید جای دیگر هم مسجد هست)»^۶

«آنوقتی که مادر قم در مسجد سلماس پای درس ایشان حاضر می شدیم کمتر اتفاق افتاده است. که من یک مقداری زودتر بدرس بروم که هنوز حضرت امام تشریف نیاورده باشند غالباً من و اکثر طلاب که به مسجد می رفتیم می دیدیم که امام قبل از همه تشریف آورده اند روی منبر و



سجاده نشسته اند و آماده برای گفتن درس هستند و باطناً هم ما مطلع بودیم که افرادی که بعد از شروع درس وارد می شدند حضرت امام خیلی بدش می آمد. چون خودشان آدم منظمی بودند و می فهمیدند که این طلبه نامنظم است که سر وقت در درس حاضر نمی شود»^۷

نظم در امور علمی

«موضوع قابل توجهی که همیشه و پابهای کوششها و تلاشهای علمی امام را یاری کرده نظم و هماهنگی دقیق ایشان است که در زندگی کاملاً حساب شده امام از کوچکترین کار تا بزرگترین آن همه جا ضابطه بر آن حاکم است ولی اثر نظم بیشتر در بعد علمی تجلی کرده است و باعث احاطه کامل امام در معلومات و زمینه ساز پرمحتوائی و بصیرت ژرف ایشان گردیده است و الا چه بسیارند اشخاصی و افرادی که سالیان دراز در کسب علم و دانش تلاش می کنند ولی چون مطالعه آنان با اشکال پراکنده و نامنظم صورت می گرفته و می گیرد نمی توانیم روی هیچکدام از جنبه های علمی آنان حساب باز کنیم، چون برخورد آنان با معلومات بصورت موضعی و ناهماهنگ بوده است در تعریف کلی از آنان باید آنها را به کتاب معلومات عمومی تشبیه نمود چون نه تخصص دارند و نه دردی را دوا می کنند ولی امام در اولین گام بسوی علم و هرکار دیگر هدفها را از پیش تعیین نموده و بدون افراط و یا تفریط و یا سردرگمی منظم در مسیر آن گام برمی دارد و اولویت را به فقاهت و سپس به علوم دیگر داده و نظم عمومی حاکم بر زندگی علمی امام در مسائل

زیر خلاصه می شود.

- ۱ - انضباط در مورد تعیین شناسائی و انتخاب اساتید و معلمین.
- ۲ - انضباط در انتخاب اوقات فراگیری علم و ساعت مطالعه و مباحثه که از اهم موفقیت یک طلبه است.
- ۳ - انضباط در انتخاب هم دوره ها و هم افقها برای مباحثه و مبادله دروس و نظریات
- ۴ - انضباط در تعیین حدود و ظرفیت فکری و جسمی بدون فشار افراطی که نتیجه ای جز سرخوردگی بیمار نخواهد آورد.^۸

نظم در مطالعه

«در مطالعاتشان آنقدر منظم بودند که هیچ چیز باعث تعطیل شدن مطالعه شان نمی شد آن روزیکه خبر شهادت حاج آقا مصطفی را به ایشان دادیم و ما اجازه گرفتیم که برای کارهای دفن به کربلا برویم، آن روز ما خیال کردیم که امام ناراحت می شود و حتی برایشان دکتر آوردند که وقتی امام متوجه شدند گفتند که «حالا برای من دکتر می آورند» آن روز ما فکر کردیم که امام نماز نمی روند ولی دیدیم که امام سر وقت نماز رفت مطالعاتش را ترک نکرده بود، قرآنی که هر روز می خواند طبق روزهای قبل خواند و بگفته احمد آقا کتابی که جزو دوره مطالعاتی ایشان بود عصر آن روز دیدم که هفتاد صفحه از آن کتاب را خوانده است روز فوت مرحوم حاج آقا مصطفی ایشان دست از مطالعه نکشیده و کلاً برنامه روزانه خود را بهم نزده بود.»^۹

اصرار امام در رعایت نظم

«یاد نکته ظریفی از آنروزها

افتادم. برادران فیلمی را از برنامه های انقلاب آورده بودند در فرانسه، پیشنهاد کردند که به امام بگویم که بعد از شام فیلم را ببینند. رفته عرض کردم شام آماده است بیاوریم به ساعت نگاه کردند فرمودند: حالا ده دقیقه به وقت شام مانده» جریانات عجیبی در ارتباط با نظم در زندگی امام وجود دارد وقتی در نجف بودند روزی یکی از نزدیکان خود می فرمایند فردا صبح بیدن فلان عالم برو و از طرف من از ایشان تفقد و سرکشی کن ایشان می گویند موضوع را برای اینکه از یادم نرود یادداشت کردم فردا ساعت ۹ رفته نزدیک خانه امام متوجه شدم جمعیت زیادی در اطراف خانه امام جمع شده اند خیلی نگران شدم که خدایا چه شده با نگرانی فراوان نزدیک شدم و سؤال کردم متوجه شدم که فرزند امام به شهادت رسیده اند و طلاب برای عرض تسلیت در آنجا جمع شده و گریه می کردند من از شدت ناراحتی بطور کلی قرار ساعت ۹ و سرکشی یکی از روحانیون فراموشم شد رفته داخل اطاق نگاهم که به امام افتاد و چهره نورانی امام را مشاهده کردم گریه ام افزون شد امام بدون اینکه مسئله خاص در وجودشان احساس شود بمن فرمودند که آن موضوع چه شد، من گنج بودم گفتم کدام موضوع امام فرمودند موضوع دیروز بخودم فشار آوردم تا متوجه شدم که امام موضوع دیدار و سرکشی به آن عالم را می فرمایند حالا زمانی که جنازه روی زمین است و گریه و شیون هم از

دیدگاه‌های تربیتی ائمه اطهار(ع)

بخش سوم

بقیه از صفحه ۱۶۱

وسلیقه ای و نظایر اینها مشهود گردیده است و دیگر آن اخلاق که تربیتی باشد و اخلاق ایمانی افراد باشد نیست. اخلاقی که در قیامت ابتدا از آن می پرسند و بعد از دیانت، و به شرط اخلاق دیانت ترا قبول می نمایند نیست و با تفسیرهایی که ما از اخلاق داریم یعنی با سازگاری و خوش ادائی و تَلَوْن و انعطاف پذیری و خوش سخنی و خوش برخوردی کاملاً متضاد است بلکه اخلاق مکتبی درست، نمودار باطن یک مؤمن است در رفتار و حال، ولذا اخلاق در بحث دیانت و اسلام ابتدائی، (یعنی تَدْبِئِن)، نیست بلکه در بحث ایمان، اخلاق هست یعنی مؤمن مکلف به اخلاق است نه متدین، و این مهم است

در تدین تکلف هست یعنی می باید چنین کنی، و چنان باشی، ولی در اخلاق «باید» نیست، «شاید» هست یعنی شایسته است برانسان مؤمن که با اختیار خود چنین باشد یعنی بدون الزام و اجبار بلکه خود، خویشتن را با میل به این بایدهای اخلاقی وادار نماید.

داشتنی تر از این تمتع طبیعی جنسی احساس می کند وقتی آدمی به این حد از تربیت رسید نفس او مطمئن می شود یعنی گونه ای عصمت برای قسمتی از رفتارها و اعمال او ممکن می گردد. که در انبیاء و معصومین همین عصمت در حد بالا و حتی در حد تصویری و نظری آنان نیز هست یعنی آنان فراموشی نیز ندارند و سهو و خطا نیز ندارند.

«سَقَرُكَ فَلَا تَنْسَى.»

۱ - به خطبه آفرینش آدم در نهج البلاغه مراجعه فرمائید. جامع علوم انسانی
۲ - توصیه می کنیم که بحث اخلاق را در جلد یکم تفسیر المیزان از علامه طباطبائی مطالعه فرمائید.

در کتاب بررسیهای اسلامی نیز مقاله ای در این زمینه از ایشان درج گردیده است دیدگاه ایشان با ابن مسکویه و غزالی و خواجه نصیر فرق دارد مطالب اخلاقی که توسط ایشان تنظیم و تدوین شده است منطقی ترین درس اخلاقی است که کاملاً مکتبی و ولایتی مطرح شده است امروزه موضوعات اخلاق در بین ما پراکنده شده و درهم ریخته است و به صورت ذوقی

همه جا بلند است امام فرمودند بروواز طرف من عذرخواهی کن و بعداً با همان نظم سابق بدرس و بحث ادامه دادند. ۱۱
آنها که به حقیقت پیوند خورده اند تمام لحظاتهمان کتابی است از معرفت ها و شناخت ها.

باورقی ها:

- مطالب ارائه شده از کتاب «سرگذشت‌های ویژه از زندگی امام خمینی» نقل و اقتباس شده است و خاطرانی است که یاران نزدیک امام از زندگی ایشان نقل کرده اند.
- ۱ - ۱۰ - یکی از خواهران
۱۱ - ۵ - ۲ - حجت الاسلام و مسلمین
توسلی
۸ - ۳ - حجت الاسلام انصاری کرمانی
۷ - ۴ - حجت السلام و المسلمین حاج
عبد الحمید ایروانی
۹ - ۶ - حجت السلام ناصری.

